

ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند و دست رد به رویش باز نهادند 

مردود همه‌ی جهان گشت.

مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز

دست غیب آمد و بر سینه‌ی نامحرم زد

از شبنم عشق خاک آدم گل شد بس فتنه و شور در جهان حاصل شد
سر نشتر عشق بر برگ و روح زدند یک قطره از آن چکید و نامش دل شد

این دو بیت اشاره دارد به آغاز آفرینش انسان که با عشق حق آغاز شد.

شور و غوغایی بر آمد از جهان حسن او چون دست در یغما نهاد

📖 حضرت جلّت به خداوندی خویش در آب و گل آدم چهل شباروز تصرف کرد.

گل آدم را تخمیر انداخته که ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ﴾ و در هر ذره از آن گل، دلی تعبیه می کرد.

معنی آیهی شریفه: انسان را از گل خشک هم چون سفال آفرید (الرحمن – آیهی ۱۴)

آب و گل را داد یزدان جان و دل

هست از خاکی و آن را صد نشان

اندر آن گل اندک اندک می فرود

نسبت اصلم ز خاک و آب و گل

اصل ما و اصل جمله سرکشان

خلقت آدم چرا چل صبح بود؟

📖 ابلیس پرتلیس یک باری گرد او (انسان) طواف می کرد و بدان یک چشم،
اعورانه بدو درمی نگریست.

اعور: یک چشم

**نویسنده شیطان را اعور می خواند، چرا که معتقد است او انسان را تنها از
یک بُعد (بعد جسمانی) می نگریست.**

هین مباش اعور چو ابلیس لعین
چون بهایم بی خبر از باز پس

با دو دیده اول و آخر بین
اعور آن باشد که حالی دید و بس

۲- عبارت «ابلیس پرتلیس یک باری گرد او طواف می کرد و بدان یک چشم، اعورانه بدو در می نگریست» با کدام بیت، قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| (۱) چون شدی در خوی دیوی استوار | می گریزد از تو دیو ای نابکار |
| (۲) تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین | دیو آدم را نبیند غیر طین |
| (۳) دیو سوی آدمی شد بهر شر | سوی تو نامد که از شری بتر |
| (۴) چشم آخربین تواند دید راست | چشم آخربین غرور است و خطاست |

گزینه ۲ پاسخ است.

در عبارت روی سؤال نجم‌الدین دایه‌ی ابلیس را اعور (یک چشم) می‌خواند؛ چون او انسان را تنها از یک بُعد (بُعد جسمانی) می‌نگریست و حقیقت و عظمت روحی وی را نادیده می‌گرفت.

همین مطلب در گزینه‌ی (۲) نیز آمده است:

طین: در این جا بُعد جسمانی انسان

دیو: شیطان